



درک مطلب ۱	پرتقال
درک مطلب ۲	سگ گیاه خوار
درک مطلب ۳	گیاه حشره خوار
درک مطلب ۴	فواید خرما
درک مطلب ۵	عسل
درک مطلب ۶	ماه
درک مطلب ۷	لاک پشت
درک مطلب ۸	تأثیر متقابل پنی سیلین و ویتامین C
درک مطلب ۹	لوبیا
درک مطلب ۱۰	سلامتی قلب
درک مطلب ۱۱	مناظره‌ی باد و خورشید
درک مطلب ۱۲	مهندسی ژنتیک
درک مطلب ۱۳	قارچ
درک مطلب ۱۴	فیل
درک مطلب ۱۵	تاریخچه‌ی پرچم
درک مطلب ۱۶	عزم و پایداری (۱)
درک مطلب ۱۷	عزم و پایداری (۲)

لغات متن	
الفواكه	ميوه‌ها
المحبة	دوست‌داشتنی
صيف	تابستان
شتاء	زمستان
الشتوية	زمستاني
طازج	تازه
الشراب	آب‌ميوه
دائمة الخضرة	هميشه‌سبز
أزهار	شكوفه‌ها
البرد	سرماخوردگی
مهدئ	آرام‌بخش
قشر	پوست
صناعة العطور	صنعت عطرسازی
مواد التجميل	مواد آرایشی
لغات تست‌ها	
لون	رنگ
مُخَضَّر	سبز
لا تتساقط	نمی‌افتند
مجال	زمينه
أخيراً	به‌تازگی
رائحة	بو

## متن ۱

آنسانی ۸۳ سالگی والحدی

البرتقال من الفواكه المحببة صيفاً و شتاءً و هو من الفواكه الشتوية، تتناوله طازجاً (مُعَرَّب «تازه») أو بشكل الشراب بعض الأحيان. يبلغ متوسط طول شجرته ۶ أمتار، و هي دائمة الخضرة، و أزهارها صغيرة جميلة. ثمرة البرتقال غنية بالأملاح مثل الكالسيوم و البوتاسيوم. و البرتقال منذ القديم معروف بأنه يُساعد في علاج أمراض البرد و الزكام، كما أن أزهار البرتقال تستخدم كمهدئ للأعصاب. يحتوي قشر (الجزء الخارجي) البرتقال على مادة تستخدم في صناعة العطور و مواد التجميل للإنسان.

۱ الفرق بين شجرة البرتقال و كثير من الأشجار الأخرى، هو:

- ۱ أوراق البرتقال لوئها في الشتاء مخضر.
- ۲ طول شجرة البرتقال أقل من قامة الإنسان.
- ۳ لا تتساقط أوراق أكثر الأشجار، خلاف شجرة البرتقال.
- ۴ في مجال الطب، يستفيد الأطباء من ثمرة شجرة البرتقال فقط.

۲ في أي مجال لا يُستفاد من ثمرة البرتقال؟

- ۱ الطب
- ۲ الأمراض
- ۳ رفع العطش
- ۴ تجميل البيوت

۳ عین الصحيح:

- ۱ تناول البرتقال يهدئ أعصاب الإنسان.
- ۲ تناول البرتقال في الصيف أكثر من الشتاء.
- ۳ أخيراً اكتشف العلماء أن البرتقال مفيد في علاج الزكام.
- ۴ تناول البرتقال بشكل الشراب أقل من تناوله طازجاً.

۴ أي جزء من شجرة البرتقال يحتوي على الفيتامينات المفيدة للزكام؟

- ۱ رائحتها
- ۲ ثمرتها
- ۳ أزهارها
- ۴ أوراقها

پرتقال

مثنیٰ ۱

البرتقال من الفواكه المحببة صيفاً و شتاءً و هو من الفواكه الشتوية،  
پرتقال از میوه‌های دوست‌داشتنی تابستانی و زمستانی است [در حالی‌که] آن از میوه‌های زمستانی است،

تتناوله طازجاً أو بشكل الشراب بعض الأحيان. يبلغ متوسط طول شجرته ٦ أمتار،  
آن را تازه می‌خوریم یا گاهی اوقات به شکل آب‌میوه [آن را می‌خوریم]. میانگین طول درختش به ۶ متر می‌رسد،

و هي دائمة الخضرة، و أزهارها صغيرة جميلة. ثمرة البرتقال غنية بالأملاح  
و آن همیشه سبز است، و شکوفه‌هایش کوچک و زیبا هستند. میوه‌ی پرتقال سرشار از املاح است

مثل الكالسيوم و البوتاسيوم. و البرتقال منذ القديم معروف بأنه يُساعد في علاج  
مانند کلسیم و پتاسیم. و پرتقال از قدیم معروف است به این‌که کمک می‌کند در درمان

أمراض البرد و الزكام، كما أنَّ أزهار البرتقال تستخدم كمُهدئٍ للأعصاب.  
بیماری‌های سرماخوردگی و زکام، هم‌چنان‌که شکوفه‌های پرتقال به‌عنوان آرام‌بخش اعصاب استفاده می‌شود.

يحتوي قشر البرتقال على مادة تستخدم في صناعة العطور و مواد التجميل للإنسان.  
پوست پرتقال حاوی ماده‌ای است [که این ماده] استفاده می‌شود در صنعت عطرسازی و مواد آرایشی برای انسان.

- پرتقال از میوه‌های دوست‌داشتنی و دلپذیر در فصل تابستان و زمستان است.
- پرتقال به‌صورت خاص در فصل زمستان استفاده می‌شود.
- پرتقال به‌صورت تازه و بعضی وقت‌ها، به‌صورت آب‌میوه (نوشیدنی) استفاده می‌شود.
- به‌طور متوسط، طول درخت پرتقال به ۶ متر می‌رسد.
- درخت پرتقال، همیشه‌سبز است و شکوفه‌هایش، کوچک و زیبا هستند.
- پرتقال، از قدیم، در معالجه‌ی بیماری سرماخوردگی و زکام به‌کار می‌رفته است.
- شکوفه‌های پرتقال، آرام‌بخش اعصاب است.
- از پوست پرتقال در صنعت عطرسازی و مواد آرایشی استفاده می‌شود.

الفرق بين شجرة البرتقال و كثير من الأشجار الأخرى، هو: **١**  
 الفرق بين درخت پرتقال و بسیاری از درخت‌های دیگر، این است:

١ أوراق البرتقال لونها في الشتاء مخضر. **١**  
 برگ‌های پرتقال رنگ‌شان در زمستان سبز است.

٢ طول شجرة البرتقال أقل من قامة الإنسان. **٢**  
 طول درخت پرتقال کمتر از قد انسان است.

٣ لا تتساقط أوراق أكثر الأشجار خلاف شجرة البرتقال. **٣**  
 نمی‌افتند برگ‌های بیشتر درختان برخلاف درخت پرتقال.

٤ في مجال الطب يستفيد الأطباء من ثمرة شجرة البرتقال فقط. **٤**  
 در زمینه‌ی پزشکی استفاده می‌کنند پزشکان فقط از میوه‌ی درخت پرتقال.

همان‌طور که می‌دانیم بیشتر درختان در فصل‌های پاییز و زمستان بدون برگ هستند، اما درخت پرتقال از محدود درختانی است، که همیشه‌سبز است و دقیقاً در متن نیز به قضیه‌ی همیشه‌سبز بودن آن اشاره شده است. پس فرق درخت پرتقال و بسیاری از درخت‌های دیگر همان است که رنگ برگ‌هایش در زمستان سبز است و گزینهِ (١) صحیح می‌باشد.



في أي مجال لا يُستفاد من ثمرة البرتقال؟ **٢**  
 در کدام زمینه از میوه‌ی پرتقال استفاده نمی‌شود؟ **٤**

١ الطب **١**  
 پزشکی

٢ الأمراض **٢**  
 بیماری‌ها

٣ رفع العطش **٣**  
 رفع تشنگی

٤ تجميل البيوت **٤**  
 زیبا ساختن خانه‌ها

در متن، گفته شده است که از پرتقال در درمان بیماری‌ها استفاده می‌شود [اثبات گزینهِ (١) و (٢)] و گاهی اوقات به شکل آب‌میوه مورد استفاده قرار می‌گیرد [اثبات گزینهِ (٣)] اما در زیبا ساختن خانه‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (مواد التجميل للإنسان) و گزینهِ (٤) اشتباه است.



عین الصحیح:

[گزینه‌ی صحیح را مشخص کن:

۳ ۴

۱ تناول البرتقال يُهدئ أعصاب الإنسان.  
خوردن پرتقال اعصاب انسان را آرام می‌کند.

۲ تناول البرتقال في الصيف أكثر من الشتاء.  
خوردن پرتقال در تابستان بیشتر از زمستان است.

۳ أخيراً اكتشف العلماء أن البرتقال مفيد في علاج الزكام.  
به‌تازگی دانشمندان کشف کردند که پرتقال در درمان سرماخوردگی مفید است.

۴ تناول البرتقال بشكل الشراب أقل من تناوله طازجاً.  
خوردن پرتقال به شکل آب‌میوه کمتر است از خوردن آن به صورت تازه.

در متن، گفته شده است که «گاهی اوقات پرتقال را به شکل آب‌میوه می‌خوریم» و همین «گاهی اوقات» دلالت می‌کند بر این‌که پرتقال به‌صورت آب‌میوه کمتر از پرتقال تازه مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس گزینه‌ی (۴) صحیح است.



أَيُّ جزء من شجرة البرتقال يحتوي على الفيتامينات المفيدة للزكام؟  
کدام بخش از درخت پرتقال حاوی ویتامین‌های مفید برای سرماخوردگی است؟

۲ ۴

۱ رائحتها  
بوی آن

۲ ثمرتها  
میوه‌ی آن

۳ أزهارها  
شکوفه‌های آن

۴ أوراقها  
برگ‌های آن

با توجه به متن، میوه‌ی پرتقال برای درمان سرماخوردگی مفید است. پس گزینه‌ی (۲) صحیح می‌باشد.



لغات مقن	
من المؤكّد	مسلماً
الكلب	سگ
تَنَاول	خوردن
اللحم	گوشت
العظم	استخوان
أدرك	پی بردند
اشتدّ	شدید شود
الجوع	گرسنگی
يَلْجَأُ	پناه می آورد
النباتات	گیاهان
الأعشاب	علفها
يَتَعَوّد	عادت می کند
أَكُل	خوردن
يَفْقَد	از دست می دهد
لغات تستها	
اشتداد	شدید شدن
يُرجَح	ترجیح می دهد
منهَج	شیوه
التطابق	سازگاری
البيئة	محیط
سُبل	راهها
مواجهة	رویارویی
مصائب	مصیبت ها، مشکلات

## هتلن ۲

ریاضی ۸۳ ساله والندی

مِنَ الْمُؤَكَّد أَنَّ الكلب حيوان يعيش على تناول اللحم والعظم، و لكن أدرك العلماء أخيراً أَنَّ الكلب إذا اشتدّ به الجوع و لم يجد طعامه المحبوب، يَلْجَأُ إلى تناول النباتات و الأعشاب، و أنّه يقدر أن يَبْقَى على هذه الحالة حتّى آخر عمره! و قد أكّد العلماء أَنَّ الكلب الَّذِي يَتَعَوّد أَكُل النباتات يَنسَى بعد مُدّة أطعمته المحبوبة، أي: اللحم و العظم، و يُصبح حيواناً نباتيّاً! هذا الكلب يفقد الكثير من صفات الكلب العاديّ، و يعمل و كأنّه حيوان آخر!

### ۱ متى يُصبح الكلب حيواناً نباتيّاً؟

- ۱ إذا تناول العظم و اللحم.
- ۲ إذا وجد طعامه المحبوب.
- ۳ إذا عاش قُرب الأعشاب و النباتات.
- ۴ إذا لم يَجِد عند اشتداد جوعه لحماً و لا عظماً!

### ۲ عيّن الخطأ:

- ۱ الجوع هو السبب لتغيير عادات الكلب.
- ۲ لا يُمكن تغيير عادات الحيوانات.
- ۳ الكلب النباتيّ يَرْجَح تناول العشب و النبات.
- ۴ الحيوان النباتيّ، إضافة إلى تغييراته الغذائيّة، تتغيّر عاداته الأخرى.

### ۳ عيّن الصحيح: الكلب النباتيّ هو الكلبُ الَّذِي .....

- ۱ يتناول الأعشاب و اللحوم و ...
- ۲ تبدّلت عاداته الغذائيّة فقط.
- ۳ تغيّر كثيرٌ من عاداته الغذائيّة و ...
- ۴ أصبح حيواناً آخر يشبه سائر الكلاب.

### ۴ ما هو الغرض الأصليّ من النصّ؟

- ۱ منهج تربية الكلب النباتيّ.
- ۲ التطابق مع البيئة و مشكلاتها.
- ۳ سبل تغيير صفات الحيوان.
- ۴ كيفيّة مواجهة مصائب الحياة.

سگ گیاه خوار

۲ هفتن

من المؤكّد أنّ الكلب حيوان يعيش على تناول اللحم و العظم، ولكن مسلّمًا سگ حیوانی است [که] با خوردن گوشت و استخوان زندگی می‌کند، ولی

أدرك العلماء أخيراً أنّ الكلب إذا اشتدّ به الجوع دانشمندان به تازگی پی بردند به این که سگ هنگامی که گرسنگی به او فشار بیاورد

و لم يجد طعامه المحبوب، يلجأ إلى تناول النباتات و الأعشاب، و أنّه يقدر أنّ يبقى و غذای مورد علاقہ اش را پیدا نکند، روی می‌آورد به خوردن گیاهان و علفها، و آن قادر است باقی بماند

على هذه الحالة حتّى آخر عمره! وقد أكّد العلماء أنّ الكلب الذي يتعوّد أكل النباتات بر این حالت تا پایان عمرش! و دانشمندان تأکید کرده‌اند که سگی که عادت کند به خوردن گیاهان

يَنسى بعد مُدّة أطعمته المحبوبة، أي: اللحم و العظم، و يُصبح حيواناً نباتياً! فراموش می‌کند پس از مدّتی غذاهای مورد علاقہ اش را، یعنی: گوشت و استخوان را، و حیوانی گیاه‌خوار می‌شود!

هذا الكلب يفقد الكثير من صفات الكلب العاديّ، و يعمل این سگ از دست می‌دهد بسیاری از ویژگی‌های سگ عادی را، و [طوری] عمل می‌کند

و كأنّه حيوان آخر! گویی که آن، حیوان دیگری است!

- ❖ سگی که گوشت و استخوان می‌خورد، در اثر فشار گرسنگی و نیافتن غذای دلخواه، به خوردن گیاهان پناه می‌برد.
- ❖ سگی که گیاه‌خوار شده، قادر است تا آخر عمرش، گیاه‌خوار باقی بماند و بعد از مدّتی، غذای دلخواه خود را فراموش می‌کند.
- ❖ سگ گیاه‌خوار شده، بسیاری از صفات سگ عادی را از دست می‌دهد و گویی حیوان دیگری است.



متی  
چه زمانی

۴ ۱

۱ إذا تناول العظم واللحم.  
هنگامی که استخوان و گوشت بخورد.

۲ إذا وجد طعامه المحبوب.  
هنگامی که غذای مورد علاقه‌اش را بیابد.

۳ إذا عاش قُرب الأعشاب والنباتات.  
هنگامی که زندگی کند نزدیک علف‌ها و گیاهان.

۴ إذا لم يجد عند اشتداد جوعه  
هنگامی که نیابد هنگام شدت یافتن گرسنگی‌اش  
لحماً ولا عظماً.  
گوشتی و استخوانی را.

دقیقاً در متن اشاره شده است که «سگی که به خوردن گیاهان عادت کند پس از مدتی غذاهای مورد علاقه‌اش یعنی گوشت و استخوان را فراموش می‌کند و حیوانی گیاه‌خوار می‌شود.» پس گزینه‌ی (۴) صحیح است.



عین الخطأ:

۲ ۲

[گزینه‌ی] اشتباه را مشخص کن:

۱ الجوع هو السبب لتغيير عادات الكلب.  
گرسنگی همان دلیل تغییر عادت‌های سگ است.

۲ لا يمكن تغيير عادات الحيوانات.  
ممکن نیست تغییر عادت‌های حیوانات.

۳ الكلب النباتي يَرْجَح سگ گیاه‌خوار ترجیح می‌دهد تناول العشب والنبات.  
خوردن علف و گیاه را.

۴ الحيوان النباتي إضافة إلى تغييراته الغذائية تتغير عادته الأخرى.  
حیوان گیاه‌خوار علاوه بر تغییرات غذایی‌اش عادت‌های دیگرش [نیز] تغییر می‌کند.

اگر بخواهیم بگوییم اصلی‌ترین مفهوم متن چیست، طبیعتاً به «مطابقت با محیط و تغییر عادت‌های حیوانات» اشاره خواهیم کرد. پس گزینه‌ی (۲) که در آن ذکر شده است «تغییر عادت‌های حیوانات ممکن نیست» اشتباه می‌باشد.



عین الصحیح: **الكلب النباتي هو الكلب الذي ...**  
 [گزینه‌ی] صحیح را مشخص کن: **سگ گیاه‌خوار همان سگی است که ...**

۳ ۳

۱ يتناول الأعشاب واللحوم و ...  
 می‌خورد علف‌ها و گوشت‌ها و ...

۲ تبدلت عاداته الغذائية فقط.  
 عوض شده است فقط عادت‌های غذایی‌اش.

۳ تَغَيَّر كثير من عاداته الغذائية و ...  
 تغییر یافته است بسیاری از عادت‌های غذایی‌اش و ...

۴ أصبح حيواناً آخر يُشبه سائر الكلاب.  
 شده است حیوانی دیگر [که] شبیه است به دیگر سگ‌ها.

در متن، گفته شده است که «سگی که به خوردن گیاهان عادت کند، پس از مدتی غذاهای مورد علاقه‌اش یعنی گوشت و استخوان را فراموش می‌کند و حیوانی گیاه‌خوار می‌شود»؛ یعنی عادت‌های غذایی‌اش به اندازه‌ای تغییر می‌کند که به جای این که گوشت و استخوان بخورد، علف و گیاه می‌خورد. (بسیاری از عادت‌های غذایی‌اش تغییر می‌کند) پس گزینه‌ی (۳) صحیح است.



ما هو الغرض الأصلي من النص ؟  
 هدف اصلی متن چیست؟

۲ ۴

۱ منهج تربية الكلب النباتي.  
 شیوه‌ی تربیت سگ گیاه‌خوار.

۲ التطابق مع البيئة و مشكلاتها.  
 سازگاری با محیط و مشکلات آن.

۳ سبل تغيير صفات الحيوان.  
 راه‌های تغییر ویژگی‌های حیوان.

۴ كیفية مواجهة مصائب الحياة.  
 چگونگی روبرویی با مصیبت‌های زندگی.

اصلی‌ترین مفهوم متن «سازگاری با محیط» است. یعنی نبودن گوشت و استخوان باعث شده است که سگ، خودش را با محیط، سازگار کرده و به خوردن علف و گیاه روی بیاورد. پس گزینه‌ی (۲) صحیح است. گزینه‌ی (۴) نیز دور از ذهن نیست ولی گزینه‌ی (۲) صحیح‌تر است.



لغات متن	
أكل	خوردن
غريب	عجيب، شگفت
تنمو	رشد می کنند
كمية	مقدار
التروجين	نیترژن
هذا (هذي)	هدایت کرده است
أوراق	برگها
مادة لزجة	مادهای چسبناک
عطرة	معطر
تأتي	می آید
تسقط	می افتد
لا تقدر	نمی تواند
الخلاص	رهايي
يصيدها	آن را شکار می کند
لغات تستها	
تريد	می خواهد
ينشر	می پراکند
أن تطير	که پرواز کند
نحو	به طرف، به سمت
فرت	فرار کرد
الأنسب	مناسب ترین

## متن ۳

خارج از کشور ۸۳ سال واحدی

إنّ بعض الحيوانات تعيش بأكل النباتات، و ليس هذا أمراً غريباً، و لكنّ الغريب أنّ بعض النباتات تأكل الحيوانات!! هناك أكثر من ۵۰۰ نوع من النباتات التي تأكل الحشرات! تلك النباتات تنمو غالباً في الأراضي غير الزراعية، فحتاج إلى كمّية من النتروجين، و لقد هدّاه الله إلى رفع حاجتها بصيد الحشرات! لهذه النباتات أوراق (ج ورق) عليها مادة لزجة و لها غالباً رائحة عطرة، فحين تأتي الحشرة تسقط على هذه المادة و لا تقدر الخلاص منها، فيصيدها النبات!

### ۱ لماذا لا تقدر الحشرة الخلاص من بعض النباتات؟

- ۱ لأنها تريد أن تأكل النبات.
- ۲ إنّ النبات ينشر رائحة عطرة.
- ۳ بسبب وجود مادة لزجة على أوراقها.
- ۴ لأنّ الحشرة لا تحب أن تطير مرّة ثانية.

### ۲ ما هو العجيب في الطبيعة؟ هو أن ترى ...

- ۱ الحشرة تصيد النبات!
- ۲ الحشرة تأتي نحو النبات!
- ۳ الحيوان يصيد النبات و يأكله!
- ۴ النبات هو الصياد و الحشرة صيده!

### ۳ عین العبارة التي فيها خبر عجيب:

- ۱ قتل النبات حشرة جميلة.
- ۲ أكلت الحشرة نباتاً جميلاً.
- ۳ فرّت حشرة جميلة من يد صيادها.
- ۴ لبعض النباتات رائحة عطرة تجذب الإنسان.

### ۴ عین العنوان الأنسب للنص:

- ۱ هدایة الله
- ۲ النبات الصياد
- ۳ صيد الحشرات
- ۴ النباتات العطرة

گیاه  
حشره خوار

مثنیٰ ۳

إِنَّ بعضَ الحيواناتِ تعيشُ بأَكُلِ النباتاتِ، وليسَ هذا أمراً غريباً، ولكنَّ الغريبَ أنَّ هَمانا برَخی حیواناتٍ با خوردن گیاهانِ زندگی می‌کنند، واین، امرِ عجیبی نیست، ولی عجیب این است که

بعض النباتات تأكل الحيوانات!! هناك أكثر من ۵۰۰ نوع من النباتات التي تأكل الحشرات! برخی گیاهان حیوانات را می‌خورند!! وجود دارند بیش از ۵۰۰ نوع از گیاهانی که حشرات را می‌خورند!

تلك النباتات تنمو غالباً في الأراضي غير الزراعية، في الأراضی غیر الزراعیّة، و به مقداری نیترژن احتیاج دارند، آن گیاهان رشد می‌کنند غالباً در زمین‌های غیر زراعی، فتحتاج إلى كمیة من النتروجين،

ولقد هدّاها الله إلى رفع حاجتها بصيد الحشرات! لهذه النباتات أوراق و خداوند آن‌ها را هدایت کرده است به رفع نیازشان با شکار کردن حشرات! این گیاهان برگ‌هایی دارند

عليها مادة لزجة ولها غالباً رائحة عطرة، فحين تأتي الحشرة [که] روی آن‌ها ماده‌ای چسبناک وجود دارد و غالباً خوش‌عطر است، پس هنگامی که حشره می‌آید

تَسْقُطُ على هذه المادّة ولا تقدر الخلاصَ منها، فيصيدها النبات! روی این مادّه می‌افتد و نمی‌تواند از آن خلاص شود، پس گیاه، آن را شکار می‌کند!

بعضی گیاهان، حیوانات را می‌خورند و این، امر عجیبی است.

بیش از ۵۰۰ نوع گیاه حشره‌خوار وجود دارد و غالباً در زمین‌های غیر زراعی، رشد می‌کنند.

خداوند، رفع نیاز غذایی آن‌ها را در شکار حشرات قرار داده است.

گیاهان حشره‌خوار، برگ‌هایی چسبنده و عطری دل‌انگیز دارند که باعث جذب و چسبیدن حشره به گیاه شده و نهایتاً حشره، صید می‌شود.

لماذا لا تقدر الحشرة الخلاص من بعض النباتات؟  
چرا حشره نمی‌تواند خلاص شود از برخی گیاهان؟

۱ ۳

۱ لأنها تريد أن تأكل النبات.  
زیرا می‌خواهد گیاه را بخورد.

۲ إن النبات ينشر رائحة عطرة.  
همانا گیاه بویی خوش می‌پراکند.

۳ بسبب وجود مادة لزجة على أوراقها.  
به دلیل وجود ماده‌ای چسبناک بر روی برگ‌هایش.

۴ لأن الحشرة لا تحب أن تطير مرة ثانية.  
زیرا حشره دوست ندارد پرواز کند [برای] بار دوم.

دقیقاً در متن گفته شده است که « روی برگ‌های درختان حشره‌خوار، ماده‌ی چسبناکی وجود دارد که حشره بر روی آن می‌افتد و نمی‌تواند از آن خلاص شود.» پس گزینه‌ی (۳) صحیح است.



ما هو العجيب في الطبيعة؟  
چه چیزی در طبیعت عجیب است؟  
هو أن نرى ...  
این است که ببینیم ...

۲ ۴

۱ الحشرة تصيد النبات!  
حشره، گیاه را شکار می‌کند!

۲ الحشرة تأتي نحو النبات!  
حشره می‌آید به‌سوی گیاه!

۳ الحيوان يصيد النبات و يأكله!  
حیوان، گیاه را شکار می‌کند و آن را می‌خورد!

۴ النبات هو الصياد و الحشرة صيده!  
گیاه، شکارچی است و حشره، شکار آن است!

طبیعتاً «آمدن حشره به‌سوی گیاه و شکار گیاه و خوردن گیاه» چیز عجیبی نیست، چون همیشه می‌توانیم آن‌ها را در طبیعت مشاهده کنیم. اما «شکار حشره توسط گیاه» چیز عجیبی است که در طبیعت، خیلی کم اتفاق می‌افتد. پس گزینه‌ی (۴) صحیح است.



عین العبارة التي فيها خبرٌ عجيب:

مشخص کن عبارتی را که در آن، خبری عجیب آمده است:

۱ قتل النبات حشرة جميلة.  
گشت گیاه حشره‌ای زیبا را.

۲ أكلت الحشرة نباتاً جميلاً.  
خورد حشره گیاهی زیبا را.

۳ فرت حشرة جميلة من يد صيادها.  
فرار کرد حشره‌ای زیبا از دست شکارچی‌اش.

۴ لبعض النباتات رائحة عطرة تجذب الإنسان.  
برخی گیاهان بویی خوش دارند [که] انسان را جذب می‌کند.

با توجه به متن، عجیب‌ترین خبر ممکن این است که «گیاه، حشره‌ای زیبا را کشت» که به همان مضمون اصلی متن یعنی «گیاهان حشره‌خوار» برمی‌گردد. پس گزینه‌ی (۱) صحیح است.

توضیح

عین العنوان الأنسب للنص:

مناسب‌ترین عنوان برای متن را مشخص کن:

۱ هداية الله  
هدایت خدا

۲ النبات الصياد  
گیاه شکارچی

۳ صيد الحشرات  
شکار حشره‌ها

۴ النباتات العطرة  
گیاهان معطر

متن، در مورد گیاهانی صحبت می‌کند که حشرات را می‌خورند و مناسب‌ترین گزینه برای عنوان متن همان گزینه‌ی (۲) یعنی «گیاه شکارچی» است.

توضیح

لغات متن	
التمر	خرما
نسبة عظيمة	مقداری زیاد
نُمو	رشد
زيادة	افزایش
الأطباء	پزشکان
يُسَمُّونه	می نامند آن را
البَصَر	چشم
نافذاً	تیز، قوی
سُكَّان الصحراء	صحرائشینان
الرؤية	دیدن
لا تَنْتَبِه	توجه نمی کنی
يُضِيف	اضافه می کند
السكينة	آرامش
اللبن	شیر
لغات تستها	
نَفْس	همان
أدرك	پی بردند
يُهدئ	آرام می کند
مُقَوِّ	تقویت کننده
نافع	مفید، سودمند
المرضى	مریضان، بیماران

## ملتن ٤

رياضي ٨٣ ترمي واحدی

في التمر فوائد كثيرة، إِنَّه يَحْتَوِي على فيتامين «آ» بنسبة عظيمة، فهو يساعد على نُمُو الأطفال و زيادة وزنهم، و لهذا الأطباء يُسَمُّونه بـ «عامل النمو»! يَّقْوِي التمر البصر و يجعله نافذاً قوياً، فسُكَّان الصحراء مشهورون بالرؤية على مسافات بعيدة. و هناك صفة للتمر لا ننتبه إليها كثيراً، فهو يُضِيف السكينة إلى النفوس المضطربة! و إذا تناولنا التمر مع اللبن يُصبح غذاء كاملاً يحتوي على الفيتامينات اللازمة للجسم.

### ١ لماذا سُمِّي التمر بـ «عامل النمو»؟: لأنه ...

- ١ يُعطي السكينة و الوقاء لمن اضطرب.
- ٢ يزيد وزنَ الأطفال و يُخرجهم من الضعف.
- ٣ لذيق يُسبب الازدياد في الاشتها.
- ٤ يَّقْوِي قوة البصر و لا يَّقْوِي جسم الإنسان.

### ٢ عَيْن الصحيح:

- ١ في اللبن نَفْسُ فيتامينات التمر.
- ٢ الصخراويون سَمُّوا التمر بـ «عامل النمو».
- ٣ الفوائد الموجودة في التمر لا تختص بالعين فقط.
- ٤ أدرك كثير من الناس الفوائد النفسية (الروحية) للتمر.

### ٣ عَيْن الخطأ:

- ١ التمر يُهدئ الأعصاب و يقوئها.
- ٢ العبور من الصحراء يُسبب تقوية قوة البصر.
- ٣ الصخراويون قَوَّيت عيونهم بسبب تناول التمر.
- ٤ اللبن يُكمل التمر من جهة الفيتامينات اللازمة للجسم.

### ٤ عَيْن الجواب الكامل في فوائد التمر: «التمر ...»

- ١ مُقَوِّ للأعصاب.
- ٢ مفيد للعين.
- ٣ نافع للجسم و الروح.
- ٤ مفيد للمرضى و الأطفال.

فواید خرما

مکمل ۴

في التمر فوائد كثيرة، إنه يحتوي على فيتامين «أ» بنسبة عظيمة، فهو يساعد  
در خرما فایده‌های بسیاری وجود دارد، همانا آن حاوی مقدار زیادی ویتامین «آ» است، و آن کمک می‌کند

على نمو الأطفال وزيادة وزنهم، ولهذا الأطباء يُسمونه بـ«عامل النمو»!  
به رشد کودکان و افزایش وزن‌شان، بنابراین پزشکان می‌نامند آن را «عامل رشد»!

يُقوي التمر البصر و يجعله نافذاً قوياً، فسكان الصحراء مشهورون  
خرما، چشم را قوی می‌کند و آن را تیز و قوی می‌گرداند، پس صحرانشینان مشهورند

بالرؤية على مسافات بعيدة. وهناك صفة للتمر لا ننتبه إليها كثيراً،  
به دیدن مسافت‌های دور. و وجود دارد ویژگی‌ای برای خرما [که] زیاد به آن توجه نمی‌کنیم،

فهو يُضيف السكينة إلى النفوس المضطربة! وإذا  
و آن اضافه می‌کند آرامش را به اشخاص مضطرب و نگران! (یعنی خرما آرام‌بخش است). و هرگاه

تناولنا التمر مع اللبن يصبح غذاءً كاملاً يحتوي على الفيتامينات اللازمة للجسم.  
خرما را با شیر بخوریم غذای کاملی می‌شود که حاوی ویتامین‌های لازم برای جسم است.

- خرما، مقدار زیادی، ویتامین «آ» دارد و به رشد اطفال و افزایش وزن‌شان کمک می‌کند.
- پزشکان به‌خاطر کمک به رشد اطفال، خرما را «عامل رشد» نامیده‌اند.
- خرما، قوه‌ی بینایی را تقویت می‌کند و به‌همین دلیل است که صحرانشینان، قادر به دیدن مسافت‌های دور هستند.
- آرامش‌بخشی به افراد مضطرب، ویژگی دیگری از خرماست که کم‌تر به آن توجه می‌کنیم.
- خرما با شیر، غذای کاملی است که ویتامین‌های لازم را برای بدن دارد.



لماذا سُمِّي التمر بـ «عامل النمو»؟ لأنه ...  
چرا نامیده شده است خرما «عامل رشد»؟ زیرا آن ...

۱ ۲

يُعطي السكينة و الوقار لمن اضطرب.  
به کسی که مضطرب و نگران است آرامش و وقار می دهد.

يزيد وزنَ الأطفال و يُخرجهم من الضعف.  
وزن کودکان را زیاد می کند و آن ها را از ضعف خارج می کند.

لذيذٌ لذيذ است [و] باعث افزایش اشتها می شود.

يَقْوِي قُوَّةَ البصر و لا يَقْوِي جسم الإنسان.  
نیروی چشم را قوی می کند و جسم انسان را قوی نمی کند.

در متن، گفته شده است که «خرما به رشد کودکان و افزایش وزن آن ها کمک می کند، به همین دلیل پزشکان، آن را عامل رشد می نامند.» پس گزینه ی (۲) صحیح است.



عَيْنَ الصحيح:  
[گزینه ی] صحیح را مشخص کن:

۳ ۲

في اللبن نفس فيتامينات التمر.  
در شیر همان ویتامین های خرماست.

الصحراويون سَمَوْا التمر بـ «عامل النمو».  
صحرائینان نامیدند خرما را «عامل رشد».

الفوائد الموجودة في التمر لا تختص بالعين فقط.  
فایده های موجود در خرما فقط به چشم اختصاص ندارد.

أدرك كثيرٌ من الناس الفوائد النفسِيَّة للتمر.  
دریافتند بسیاری از مردم فایده های روحی خرما را.

با توجه به متن، فایده های خرما فقط به چشم اختصاص ندارد، بلکه به رشد کودکان و افزایش وزن آنان کمک می کند و همچنین آرامش بخش است. پس با این توضیحات، گزینه ی (۳) صحیح است.



عین الخطأ:

[گزینه‌ی] اشتباه را مشخص کن:

۲ ۳

۱ التمر يهدئ الأعصاب و يقويها.  
خرما اعصاب را آرام می‌کند و آن را تقویت می‌کند.

۲ العبور من الصحراء يُسبب تقوية قوة البصر.  
عبور از بیابان سبب تقویت نیروی چشم می‌شود.

۳ الصخراويون قويت عيونهم  
صحرائی‌ن‌ها چشم‌هایشان قوی شده است به دلیل خوردن خرما.

۴ اللبن يكمل التمر  
شیر کامل می‌کند خرما را از نظر ویتامین‌های لازم برای بدن.

گزینه‌ی (۲) اشتباه است، به این علت که عبور از صحرا باعث تقویت نیروی چشم (بینایی) نمی‌شود، بلکه فقط در متن گفته شده است «صحرائی‌ن‌ها به دلیل خوردن خرما می‌توانند مسافت‌های دور را ببینند» و این بدین معنا نیست که هر کس از صحرا عبور کند، چشمش قوی می‌شود.



عین الجواب الكامل في فوائد التمر:

التمر ...

۳ ۴

پاسخ کامل در [مورد] فایده‌های خرما را مشخص کن: خرما ...

۱ مَقْوٌ للأعصاب.  
تقویت‌کننده‌ی اعصاب است.

۲ مفيدٌ للعين.  
برای چشم مفید است.

۳ نافعٌ للجسم و الروح.  
برای جسم و روح مفید است.

۴ مفيدٌ للمرضى و الأطفال.  
برای مریضان و کودکان مفید است.

با توجه به این که گفته است پاسخ کامل را مشخص کن، گزینه‌ی (۳) را انتخاب می‌کنیم، زیرا در متن گفته شده است که «خرما هم به رشد کودکان و افزایش وزن آن‌ها کمک می‌کند و هم قدرت بینایی را افزایش می‌دهد» پس برای جسم مفید است و نیز گفته شده است که «آرام‌بخش اعصاب است» پس برای روح و روان نیز مفید می‌باشد.



لغات متن	
النحل	زنبور عسل
عطية	هدیه
دواء	دارو
في آن واحد	در آن واحد
الأقدمون	پیشینیان
أدركوا	پی بردند
استخدموه	به کار گرفتند آن را
اللحوم	گوشتها
صالحة	سالم
إناء	ظرف
مملوء	پر
لم يُغيّر	تغییر نکرده بود
عليكم	بر شما باد
شفاءين	دو شفا
لغات تستها	
أخيراً	به تازگی
الأطعمة	غذاها
إدخال	داخل کردن
الموتى	مردگان
إحياء	زنده کردن
هبة	بخشش، هدیه
مُحيي	زنده کننده
الذّ	لذیترین

## هتلن ۵

زبان ۸۳ ترمی والندی

إنَّ عسل النحل عطية إلهية إلى العباد! فهو طعام و شراب و دواء في آن واحد! الأقدمون أدركوا قبلنا فوائد العسل و استخدموه كغذاء و دواء. إنهم كانوا يحفظون اللحوم بالعسل لتبقى صالحة لمدة طويلة! و قد كان في أحد قبور المصريين القدماء إناءً (ظرف) مملوءً عسلاً من القرون الماضية لم يُغيّر طعمه و لا رائحته! قال النبي (ص): عليكم بالشفاءين: العسل و القرآن!

### ۱ عَيْن الخطأ:

- ۱ كان القدماء يستخدمون العسل لحفظ اللحم.
- ۲ أخيراً أدرك الأطباء الفوائد الطبية في العسل.
- ۳ في العسل موادّ تمنع من فساد بعض الأطعمة.
- ۴ الذين لا يحبّون تناول العسل يخسرون فوائده.

### ۲ عَيْن الصحيح للفراغ: «من عادات الناس في العصر الحاضر ...»

- ۱ حفظ الأطعمة بإدخال العسل فيها.
- ۲ استعمال العسل بعد عام من توليده.
- ۳ أنهم يجعلون إناء من العسل في قبور الموتى.
- ۴ الاستفادة من العسل لشفاء بعض الأمراض.

### ۳ ما هو غرض النبي (ص) من كلامه: عليكم ...؟

- ۱ لإحياء موتاكم استفيدوا من العسل و القرآن.
- ۲ العسل و القرآن يشفيان مرضين من الأمراض.
- ۳ العسل علاج للأمراض الجسدية، و القرآن للأمراض الروحية.
- ۴ العسل لذیذ في الطعم كما أنّ القرآن لذیذ في القراءة و المعنى.

### ۴ صف لنا العسل؟ العسل ...

- ۱ هبة إلهية.
- ۲ مُحيي الموتى.
- ۳ مُحافظ للحوم.
- ۴ الذّ عطية.

عسل

# هتلن ۵

إِنَّ عَسَلَ النَّحْلِ عَطِيَّةُ إِلَهِيَّةٍ إِلَى الْعِبَادِ! فَهُوَ طَعَامٌ وَشَرَابٌ وَدَوَاءٌ فِي آنٍ وَاحِدٍ! هَمَانَا عَسَلِ زَنْبُورٍ هَدِيَّةُ إِيَالِهِي هِيَ اسْتِ بِهِ بَنَدُكَانِ! وَ أَنْ دَرِ أَنْ وَاحِدِ، يَكْ غِذَا وَ نَوْشِيدِنِي وَ دَارُو اسْتِ!

الْأَقْدَمُونَ أُدْرِكُوا قَبْلَنَا فَوَائِدُ الْعَسَلِ وَ اسْتِخْدَمُوهُ كغذاء وَ دَوَاءٍ. پِشِينِيَانِ پِشِشِ از ما در یافتند فایده‌های عسل را وَ آن را چون غذا وَ دارویی به کار گرفتند.

إِنَّهُمْ كَانُوا يَحْفَظُونَ اللَّحُومَ بِالْعَسَلِ لَتَبْقَى صَالِحَةً لِمُدَّةٍ طَوِيلَةٍ! هَمَانَا أَنْانِ مَحَافَظَتِ مِي كَرْدَنْدِ از گوشت‌ها با عسل تا برای مدّتی طولانی سالم باقی بماند!

وَ قَدْ كَانَ فِي أَحَدِ قُبُورِ الْمَصْرِيِّينَ الْقَدَمَاءِ إِنَاءٌ مَمْلُوءٌ عَسَلًا مِنْ الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ لَمْ يُغَيَّرِ وَ بُوَدِ دَرِ يَكِي از قبرهای مصری‌های قدیم ظرفی پر از عسل از قرن‌های گذشته [که] تغییر نکرده بود

طَعْمُهُ وَ لَا رَائِحَتُهُ! قَالَ النَّبِيُّ (ص): عَلِيكُمْ بِالشِّفَاءِ: الْعَسَلِ وَ الْقُرْآنِ! مَرْهَ وَ بُوِي أَنْ! پيامبر (ص) فرمود: بِرِ شَمَا بَادِ [رُوی آوردن] به دو شفا: عسل وَ قرآن!

- عسل، یک موهبت و هدیه‌ی خداوندی به بندگان است که در آن واحد، هم خوردنی، هم نوشیدنی و هم داروست.
- پِشِينِيَانِ، فواید عسل را درک کرده بودند و از آن به عنوان غذا و دارو استفاده می‌کردند.
- پِشِينِيَانِ، برای حفظ و سالم ماندن گوشت به مدّت طولانی، از عسل، کمک می‌گرفتند.
- مصری‌ها، طبق اعتقاد خود، در قبر خود، غذا نگه می‌داشتند [ظرف پر از عسل به صورت سالم از قرن‌های گذشته، در قبر مصری‌ها، یافت شده است].
- پيامبر (ص) می‌گوید: ۲ شفا را به شما توصیه می‌کنم: قرآن و عسل.

عَيْن الخطأ:

[گزینه‌ی] اشتباه را مشخص کن:

۱ ۲

۱. كان القدماء يستخدمون العسل لحفظ اللحم.   
 پیشینیان به کار می‌گرفتند عسل را برای حفظ گوشت.

۲. أخيراً أدرك الأطباء الفوائد الطبية في العسل.   
 به تازگی پزشکان دریافتند فایده‌های پزشکی عسل را.

۳. في العسل مواد تمنع من فساد بعض الأطعمة.   
 در عسل موادی است [که] مانع فاسد شدن برخی غذاها می‌شود.

۴. الذين لا يحبون تناول العسل يخسرون فوائده.   
 کسانی که خوردن عسل را دوست ندارند فایده‌هایش را از دست می‌دهند.

در متن، گفته شده است که «پیشینیان، قبل از ما به فایده‌های عسل پی برده بودند و آن را به عنوان غذا و دارو استفاده می‌کردند.» پس گزینه‌ی (۲) اشتباه است.



عَيْن الصحيح للفراغ:

[گزینه‌ی] صحیح را برای جای خالی مشخص کن: «من عادات الناس في العصر الحاضر ...»  
«از عادات‌های مردم در عصر حاضر ... است»

۲ ۴

۱. حفظ الأطعمة بإدخال العسل فيها.   
 محافظت کردن از غذاها با داخل کردن عسل در آن‌ها.

۲. استعمال العسل بعد عام من توليده.   
 استفاده از عسل یک سال پس از تولیدش.

۳. أنهم يجعلون إناء من العسل في قبور الموتى.   
 این است که آنان قرار می‌دهند ظرفی از عسل در قبرهای مردگان.

۴. الاستفادة من العسل لشفاء بعض الأمراض.   
 استفاده از عسل برای شفای برخی بیماری‌ها.

همان‌طور که در متن آمده است، عسل در آن واحد هم غذاست، هم نوشیدنی و هم دارو؛ پس طبیعی است که در عصر حاضر نیز انسان‌ها از آن در شفای برخی بیماران استفاده کنند. پس گزینه‌ی (۴) صحیح است.



ما هو غرض النبي (ص) من كلامه: «عليكم ...»؟  
هدف پیامبر (ص) از سخنش: «بر شما باد ...» چیست؟

۳ ۳

۱ لإحياء موتاكم استفيدوا من العسل و القرآن.  
برای زنده کردن مردگانتان از عسل و قرآن استفاده کنید.

۲ العسل و القرآن يشفيان مَرَضَيْنِ مِنَ الْأَمْرَاضِ.  
عسل و قرآن شفا می‌دهند دو بیماری از بیماری‌ها را.

۳ العسل علاجٌ للأمراض الجسدية و القرآن للأمراض الروحية.  
عسل، درمانی برای بیماری‌های جسمی است و قرآن، [درمانی] برای بیماری‌های روحی.

۴ العسل لذیذٌ في الطعم كما أنَّ القرآن لذیذٌ في القراءة و المعنى.  
عسل در طعم و مزه لذیذ است همان‌طور که قرآن در خواندن و معنا لذیذ است.

با توجه به این سخن پیامبر «شفا‌ی انسان‌ها در دو چیز است: عسل و قرآن»؛ عسل به‌خاطر فایده‌های فراوانش برای بیماری‌های جسمی مفید است و قرآن برای بیماری‌های روحی مناسب می‌باشد. پس گزینه‌ی (۳) صحیح است.



صف لنا العسل: العسل ...  
عسل را برای ما توصیف کن: عسل ...

۱ ۴

۱ هبةٌ إلهية.  
هدیه‌ای الهی است.

۲ مُحيي الموتى.  
زنده‌کننده‌ی مردگان است.

۳ مُحافظ اللحم.  
محافظت‌کننده از گوشت‌هاست.

۴ أَلَذُّ عَطِيَّة.  
لذیذترین هدیه است.

همان‌طور که در ابتدای متن گفته شده است «عسل، هدیه‌ای الهی است.» پس گزینه‌ی (۱) صحیح می‌باشد. گزینه‌ی (۴) نیز دور از ذهن نیست ولی گزینه‌ی (۱) صحیح‌تر است.



لغات متن	
جرم	جسم
مُضيء	نورانی
يَدُور	می چرخد
الشهر	ماه (۳۰ روز)
يصغر	کم می شود
يَخْتَفِي	مخفی می شود
ضوء	نور
حار	گرم
الإحراق	سوختن
البرودة	سرما
تحت الصفر	زیر صفر
انعدمت	ناپود شد
مَظَاهِر	نشانها
جبال	کوهها
قِمَّة	قله
الصحاري	صحراها
البحار	دریاها
لغات تستها	
مُظلم	تاریک
تُصَدِّق	می پذیری
طاقة	توان
يُبعد	دور می کند

## متن ۶

فقر ۸۳ سال و احدى

القمر جرم كروي نراه مُضيئاً ليلاً في السماء و هو يَدُور حول الأرض. يظهر القمر في أوّل الشهر هلالاً، ثمَّ يَكْبُر تدريجياً حتّى يَنْتَصِف الشهر، ثمَّ يصغر حجمه حتّى يختفي. ضوء القمر و حرارته من الشمس، فيكون نهاره حارّاً إلى درجة الإحراق، و لكنّ درجة البرودة في الليل تصل إلى ١٥° تحت الصفر! و لذلك انعدمت مظاهر الحياة عليه. و على سطح القمر جبال مرتفعة، بعضها أعلى من قِمَّة «إفرست» و هناك الصحاري و البحار لا ماء فيها.

### ١ عَيِّن الخطأ:

- ١ لا تَجِد الجبل في القمر مُرتفعاً.
- ٢ لم يَجِد الإنسان في القمر بحراً فيه ماء.
- ٣ لا يتحمَّل الإنسان برودة الجوِّ في القمر.
- ٤ بعض الجبال في القمر ارتفاعها أكثر من جبال الأرض.

### ٢ إملأ الفراغ بالكلمة المناسبة: القمر ...

- ١ مُظلم دائماً.
- ٢ مُضيء دائماً.
- ٣ له ليل و نهار.
- ٤ له نهار فقط.

### ٣ ما هو الفرق بين القمر و الأرض؟

- ١ في الأرض جبال مرتفعة بخلاف القمر.
- ٢ إمكانات الحياة في القمر أكثر من الأرض.
- ٣ تقع الأرض قريباً من الشمس و القمر بعيداً عنها.
- ٤ الإنسان لا يقدر أن يعيش في القمر بخلاف الأرض.

### ٤ هل تُصَدِّق العبارة التالية؟ لماذا؟! «الإنسان يَقدر أن يعيش على سطح القمر في المستقبل!»

- ١ لا؛ لأنّ سطح القمر قد تشكَّل من البحار!
- ٢ نعم؛ لأنّ الضوء و الهواء و الماء موجود هناك!
- ٣ لا؛ لأنّ الحرارة و البرودة هناك فوق طاقة الإنسان!
- ٤ نعم؛ بإمكان العلم أن يُغيِّر مكانَ القمر و يُبعده عن حرارة الشمس!

ماه

# هتلن ۶

القمر جرم کروی نراه مُضیناً لیلًا فی السماء و هو یدور حول الأرض. ماه، جسمی کروی است [که] شب آن را در آسمان، [به شکل] نورانی می بینیم در حالی که به دور زمین می چرخد.

یظهر القمر في أول الشهر هلالاً، ثم یکبر تدریجاً حتّی یتتصف الشهر، ظاهر می شود ماه در اوّل ماه به شکل هلال، سپس تا نیمه‌ی ماه به صورت تدریجی بزرگ می شود،

ثمّ یصغر حجمه حتّی یختفی. ضوء القمر و حرارته من الشمس، فیكون نهائاً حارّاً سپس حجمش کم می شود تا این که پنهان می شود. نور ماه و گرمای آن از خورشید است، پس روزش گرم می شود

إلى درجة الإحراق ولكنّ و لكنّ درجة البرودة في الليل درجه‌ی سرما در شب و لذلك تا درجه‌ی سوختن ولی

انعدمت مظاهر الحياة عليه. و على سطح القمر و على سطح ماه و بر سطح ماه انعدمت نشانه‌های زندگی بر روی آن. و بر سطح ماه انعدمت نشانه‌های زندگی بر روی آن. و بر سطح ماه انعدمت نشانه‌های زندگی بر روی آن.

أعلى من قَمّة «إفرست» و هناك الصحاري و البحار و لا ماء فيها. و [در آن جا] بیابان‌ها و دریاهایی وجود دارند [که] هیچ آبی در آن‌ها وجود ندارد. بلندتر از قله‌ی «اورست» هستند و [در آن جا] بیابان‌ها و دریاهایی وجود دارند [که] هیچ آبی در آن‌ها وجود ندارد.

- ماه، جسمی کروی و نورانی است که در آسمان دیده می شود و دور زمین می چرخد.
- کره‌ی ماه در اوّل ماه به صورت هلال است سپس تا نیمه‌ی ماه به تدریج بزرگ می شود سپس حجمش کم می شود تا این که پنهان می شود.
- نور و حرارت ماه از خورشید است، روزش بسیار گرم است و درجه‌ی سرمای آن در شب به  $15^{\circ}$  زیر صفر می رسد.
- به دلایل گفته شده، نشانه‌های زندگی بر روی ماه نابود شده‌اند.
- بر سطح ماه، کوه‌های بلندی (حتّی بلندتر از اورست) و صحراها و دریاهایی بدون آب وجود دارد.



عين الخطأ:

[گزینه‌ی] اشتباه را مشخص کن:

۱ ۱

لا تَجِدُ الْجِبَلِ فِي الْقَمَرِ مَرْتَفَعًا.

کوه بلندی در ماه پیدا نمی‌کنی.

۱

لَمْ يَجِدِ الْإِنْسَانُ فِي الْقَمَرِ بَحْرًا فِيهِ مَاءٌ.

انسان در ماه نیافت دریایی [که] در آن آب باشد.

۲

لَا يَتَحَمَّلُ الْإِنْسَانُ بَرُودَةَ الْجَوِّ فِي الْقَمَرِ.

انسان تحمل نمی‌کند سرمای هوا را در ماه.

۳

بَعْضُ الْجِبَالِ فِي الْقَمَرِ ارْتِفَاعُهَا أَكْثَرُ مِنْ جِبَالِ الْأَرْضِ.

برخی کوه‌ها در ماه ارتفاعشان بیش‌تر از کوه‌های زمین است.

۴

با توجه به متن که در آن گفته شده است «بر سطح کره‌ی ماه کوه‌هایی بلند وجود دارد که برخی از آن‌ها از قلّه‌ی اورست نیز بلندتر هستند.» گزینه‌ی (۱) اشتباه است، زیرا بیان کرده است که «در ماه، کوه بلندی پیدا نمی‌کنی.»



املاً الفراغ بالكلمة المناسبة: القمر ...

جای خالی را با کلمه‌ی مناسب پر کن: ماه ...

۳ ۲

مُظْلَمٌ دَائِمًا.

همیشه تاریک است.

۱

مُضِيٌّ دَائِمًا.

همیشه نورانی است.

۲

لَهُ لَيْلٌ وَ نَهَارٌ.

شب و روز دارد.

۳

لَهُ نَهَارٌ فَقَطْ.

فقط روز دارد.

۴

اگر به متن توجه کنید گفته است «کره‌ی ماه در روز، بسیار گرم و در شب، بسیار سرد است.» و این یعنی «کره‌ی ماه، شب و روز دارد.» پس گزینه‌ی (۳) صحیح است.



ما هو الفرق بين القمر و الأرض؟  
فرق میان ماه و زمین چیست؟

۳ ۴

۱ في الأرض جبال مرتفعة  
در زمین کوههایی بلند وجود دارد برخلاف القمر.

۲ إمكانات الحياة في القمر  
امکانات زندگی در ماه بیشتر از زمین است.

۳ تقع الأرض قريباً من الشمس  
زمین، نزدیک خورشید است و القمر بعيداً عنها.

۴ الإنسان لا يقدر أن يعيش  
انسان نمی تواند در ماه زندگی کند برخلاف الأرض.

در متن گفته شده است که «در کره‌ی ماه درجه‌ی هوا در روز به حدّ سوختن و در شب به ۱۵۰ درجه زیر صفر می‌رسد.» پس طبیعتاً انسان نمی‌تواند در آن‌جا زندگی کند و این همان فرق بین ماه و زمین است. پس گزینه‌ی (۴) صحیح می‌باشد.



هل تُصدّق العبارة التالية؟

لماذا؟!

۴ ۳

آیا عبارتی که در ادامه می‌آید را می‌پذیری؟ چرا؟!

«الإنسان يقدر أن يعيش على سطح القمر  
انسان می تواند زندگی کند بر سطح ماه في المستقبل!»  
در آینده!

۱ لا؛ لأنّ سطح القمر قد تشكّل من البحار!  
نه؛ زیرا سطح ماه از دریاها تشکیل شده است!

۲ نعم؛ لأنّ الضوء و الهواء و الماء موجود هناك!  
بله؛ زیرا نور و هوا و آب در آن‌جا وجود دارد!

۳ لا؛ لأنّ الحرارة و البرودة هناك فوق طاقة الإنسان!  
نه؛ زیرا گرما و سرما در آن‌جا بیشتر از توان انسان است!

۴ نعم؛ بإمكان العلم أن يغيّر مكان القمر و يبعده عن حرارة الشمس!  
بله؛ علم و دانش می‌تواند تغییر دهد مکان ماه را و آن را از گرمای خورشید دور کند!

این عبارت قابل پذیرش نیست چون گرما و سرما در آن‌جا واقعاً بیش از توان انسان است زیرا همان طوری که در متن آمده است «در آن‌جا درجه‌ی هوا در روز به حدّ سوختن و در شب به ۱۵۰ درجه زیر صفر می‌رسد.» و با این اختلاف شدید درجه‌ی هوا در شب و روز، واقعاً برای انسان امکان زندگی در آن‌جا وجود ندارد. پس گزینه‌ی (۳) صحیح است.



لغات متن	
لاک پشت	السُّلْحَفَاة
لاک، صدف	صدفة
گند حرکت	بطينة الحركة
توانست	استطاعت
کشتی	سفينة
مواجهه شده اند	تعرّضت
لاک پشت ها	السلحاف
آزار و اذیت	إيذاء
انجام می شد	كان يتمّ
لاکها	أصداف
لغات تست ها	
مخفی می کند	تستّر
قازدها	قازات
اذیت می کند	تؤذي
گندی	بطء
می انداخت	كان يُلقِي
راه رفتن	المشي
سوار نکر د	لم يركب
احساس می کند	تحسّ
درد	ألم
محفوظ	مَصُونَة
گران بها	ثمينة
سوار نشد	ما ركبت

## هتلن ۷

ریاضی ۸۱

السُّلْحَفَاة حيوان يَعِيش داخل صدفة كبيرة و عندما تَشعر بأيّ خطر تخفي أعضائها داخل الصدفة. و هي بطيئة الحركة حتّى أنّ كثيراً من المؤرّخين يعجبون كيف استطاعت السُّلْحَفَاة أن تصل إلى سفينة نوح (ع) في الوقت المناسب!! و قد تعرّضت السلاحف إلى إيذاء كبير من الإنسان. فقد كان صيدها يتمّ بكميّات كبيرة للحصول على أصدافها و لحومها. و السلاحف موجودة في كلّ نقاط العالم إلّا نقطة واحدة و هي قارّة أستراليا!

### ۱ عین الصحيح في وصف السلحفاة:

- ۱ تستر أعضائها عند مواجهة الخطر.
- ۲ تعيش في جميع قارّات العالم خاصّة أستراليا.
- ۳ تؤذي الآخرين خاصّة الإنسان.
- ۴ ما استطاعت أن تصل إلى سفينة نوح (ع) بسبب بطئها!

### ۲ كيف كان الإنسان يؤذي السلحفاة؟ كان ...

- ۱ يلقبها في الماء حتّى تغرق!
- ۲ يقتلها للحصول على ما في جسمها!
- ۳ يجبرها حتّى تسرع في المشي!
- ۴ لم يركبها في سفينة نوح (ع)!

### ۳ متى تختفي السلحفاة داخل صدفتها؟

- ۱ حين تقصد أن تصل إلى سفينة نوح (ع).
- ۲ حينما تحسّ بشيء يؤذيها.
- ۳ في وقت تشعر بالآلم في أعضائها.
- ۴ عندما تقصد أن تمشي بسرعة.

### ۴ عین الخطأ:

- ۱ ليست السلحفاة مصنوعة من الآخرين.
- ۲ صدفة السلحفاة ثمينة.
- ۳ السلحفاة تقدر أن تخفي رأسها.
- ۴ السلحفاة ما ركبت سفينة نوح (ع).

لاک پشت

هتلن ۷

السلحفاة حیوان يعيش داخل صدفة كبيرة و عندما تشعر لاک پشت حیوانی است [که] زندگی می کند داخل لاک بزرگ و هنگامی که احساس می کند

بأي خطر تخفي أعضائها داخل الصدفة. و هي بطيئة الحركة هر خطري را اعضاء [بدن] ش را داخل لاک پنهان می کند. و آن کند حرکت است

حتى أن كثيراً من المورخين يحبون كيف استطاعت السلحفاة أن تصل تا جایی که بیشتر مورخان تعجب می کنند [که] چگونه توانست لاک پشت که برسد

إلى سفينة نوح (ع) في الوقت المناسب!! وقد تعرضت السلاحف إلى إيذاء كبير من الإنسان. به کشتی نوح (ع) در زمان مناسب!! و لاک پشت ها از جانب انسان ها، بسیار مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند.

فقد كان صيدها يتم بكميات كبيرة للحصول على أصدافها و لحومها. و شکار آن ها به مقدار بسیار زیادی انجام می شد برای دستیابی به لاک هایشان و گوشت هایشان.

و السلاحف موجودة في كل نقاط العالم إلا نقطة واحدة و هي قارة أستراليا! و لاک پشت ها در همه ی نقاط جهان وجود دارند مگر یک نقطه و آن [نقطه] قاره ی استرالیا است!

- ❖ لاک پشت، لاک بزرگی دارد و در هنگام خطر، داخل آن پنهان می شود.
- ❖ لاک پشت، کند حرکت است تا آن جا که جای تعجب است که چگونه به موقع به کشتی نوح (ع) رسیده است.
- ❖ لاک پشت ها، مورد آزار و اذیت انسان بوده اند، و به خاطر گوشت و لاک شان شکار می شدند.
- ❖ لاک پشت ها جز قاره ی استرالیا، در همه جای جهان وجود دارند.

### عين الصحيح في وصف السلحفاة:

[گزينه‌ی] صحيح در توصيف لاک پشت را مشخص کن:

۱ ۱

۱ تستر أعضاءها عند مواجهة الخطر.  
پنهان می‌کند اعضایش را هنگام رویارویی با خطر.

۲ تعيش في جميع قارات العالم خاصةً أستراليا.  
در همه‌ی قاره‌های جهان زندگی می‌کند به‌ویژه استرالیا.

۳ تؤذي الآخرين خاصةً الإنسان.  
دیگران را اذیت می‌کند به‌ویژه انسان را.

۴ ما استطاعت أن تصل إلى سفينة نوح (ع) بسبب بُطئها!  
نتوانست به کشتی نوح (ع) برسد به سبب کندیش!

دقیقاً در خط اول متن ذکر شده است که «لاک پشت، هنگامی که خطری را احساس کند، اعضای بدنش را داخل لاک مخفی می‌کند» پس گزینه‌ی (۱) صحیح است.

توضیح

### كيف كان الإنسان يُؤذي السلحفاة؟

انسان چگونه لاک پشت را اذیت می‌کرد؟

۲ ۲

۱ كان يلقمها في الماء حتى تغرق!  
آن را در آب می‌انداخت تا غرق شود!

۲ كان يقتلها للحصول على ما في جسمها!  
می‌کشت آن را برای رسیدن به آنچه در بدنش است!

۳ كان يجبرها حتى تسرع في المشي!  
مجبورش می‌کرد که به سرعت راه برود!

۴ كان لم يركبها في سفينة نوح (ع)!  
سوارش نمی‌کرد در کشتی نوح (ع)!

همان‌طور که در متن آمده است «انسان‌ها، لاک‌پشت‌ها را با شکار آن‌ها برای رسیدن به لاک‌ها و گوشت‌هایشان مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند.» پس گزینه‌ی (۲) صحیح است. ضمن این‌که گزینه‌های دیگر بیشتر به لطیفه شباهت دارند تا جواب.

توضیح

متی تَخْتَفِي السِّلْحَفَةَ داخل صدفِها؟  
چه زمانی لاک پشت داخل لاکش پنهان می شود؟

۲ ۳

۱ حين تقصد أن تصل إلى سفينة نوح (ع).  
هنگامی که قصد می کند که برسد به کشتی نوح (ع).

۲ حينما تحس بشيء يؤذيها.  
هنگامی که احساس می کند که چیزی اذیتش می کند.

۳ في وقت تشعر بالأم في أعضائها.  
وقتی که احساس می کند دردی را در اعضایش.

۴ عندما تقصد أن تمشي بسرعة.  
هنگامی که قصد می کند با سرعت راه برود.

باز هم با توجه به اولین خط متن که گفته است «لاک پشت، هنگامی که خطری را احساس کند، اعضای بدنش را داخل لاک پنهان می کند.» گزینه ی (۲) صحیح است.



عَيْن الخطأ:  
[گزینه ی] اشتباه را مشخص کن:

۴ ۴

۱ ليست السِّلْحَفَةُ مَصُونَةً من الآخرين.  
نیست لاک پشت در امان از [دست] دیگران.

۲ صدفة السِّلْحَفَةُ ثمينة.  
لاک لاک پشت، گران بهاست.

۳ السِّلْحَفَةُ تقدر أن تُخفي رأسها.  
لاک پشت می تواند سرش را مخفی کند.

۴ السِّلْحَفَةُ ما ركبت سفينة نوح (ع).  
لاک پشت، سوار نشد [در] کشتی نوح (ع).

با توجه به متن که در آن گفته شده است «لاک پشت به قدری کند حرکت است که بسیاری از مورخین تعجب می کنند که این حیوان چگونه در زمان مناسب به کشتی نوح (ع) رسید.» گزینه ی (۴) اشتباه می باشد. چون لاک پشت به کشتی رسید و با حضرت نوح (ع) و دیگر موجودات درون کشتی همراه گشت.



لغات متن	
شاع	شايح شده است.
الأطفال المصابين	كودكان مبتلا
الأنفلونزا	آنفلوانزا
الزكام	سرماخوردگی
كمية	مقدار
الأسبرين	آسپرین
البنسليين	پنی سیلین
الفواكه	میوه ها
شائع	رایج
تُتلف	از بین می برد
يُبطّل	از بین می برد
القيمة الغذائية	ارزش غذایی
عصير الليمون	آبلیمو
إبطال	از بین بردن
لغات تستها	
الخاطئ	اشتباه
إصابة	ابتلا
يُستعمل	استفاده می شود
يُبطّل	از بین می رود
يُزول	از بین می رود
يُهدر	هدر می دهد
لا تتناولوا	نخورید
الأدوية	داروها

## هتلن

أنسلي ٨٣ نرضي والحدی

لقد شاع بين الناس أنّ الأطفال المصابين بالأنفلونزا أو الزكام يحتاجون إلى كمّية من فيتامين c عند تناولهم الأسبرين أو استعمال البنسليين. فترى الوالدين يحرصان على أن يُطعما الأطفال كمّيات من البرتقال و الليمون ... لوجود فيتامين c في هذه الفواكه، و هذا خطأ شائع! لأنّ مادّة الأسبرين تُتلف فيتامين c ... كما أنّ فيتامين c نفسه يُبطّل تأثير البنسليين، فتكون النتيجة هدر القيمة الغذائية لعصير (ماء) الليمون و البرتقال و إبطال تأثير الدواء ...

### ١ ما هو الاعتقاد الخاطئ بين الناس؟

- ١ المصابون بالزكام يحتاجون إلى فيتامين c.
- ٢ الأسبرين يُتلف فيتامين c الموجود في الفواكه.
- ٣ عند إصابة الأطفال بالزكام يُستعمل البنسليين أحياناً.
- ٤ عند استعمال البنسليين علينا بتناول البرتقال و الليمون.

### ٢ متى يُبطّل تأثير الأسبرين؟

- ١ إذا استعملناه مع البرتقال.
- ٢ عند استعماله مع البنسليين.
- ٣ إن لم نتناوله مع الليمون.
- ٤ حين عدم تناول فيتامين c.

### ٣ لماذا استعمال فيتامين c مع البنسليين خطأ؟ لأنّ ...

- ١ تأثير فيتامين c يزول!
- ٢ المريض يمكن أن يموت!
- ٣ الطفل لا يحب استعمال البنسليين!
- ٤ هذا إسراف، و الله لا يحب المُسرفين!

### ٤ عتین الصحيح:

- ١ الأسبرين يهدر القيمة الغذائية للأطعمة!
- ٢ لا يُفيد البنسليين للشفاء من مرض الأنفلونزا!
- ٣ في مرض الزكام لا تتناولوا البرتقال و الليمون معاً!
- ٤ علينا بالاجتناب من تناول فيتامين c مع بعض الأدوية!

تأثیر متقابل  
پنی سیلین و  
ویتامین c

هتلن ۸

قد شاع بین الناس أن الأطفال المُصابين بالأنفلونزا أو الزكام يحتاجون إلى كمية من فيتامين c بين مردم رایج شده است که کودکان مبتلا به آنفلوانزا یا سرماخوردگی به مقداری ویتامین c نیاز دارند

عند تناولهم الأسبرين أو استعمال البنسيلين. فترى الوالدين يحرصان على هنگام خوردن آسپرین یا استفاده از پنی سیلین. پس پدر و مادر را می بینیم [درحالی که] حرص می زنند

أن يُطعما الأطفال كميات من البرتقال و الليمون ... لوجود فيتامين c في هذه الفواكه، که به کودکان بخوراند مقداری از پرتقال و لیمو ... به دلیل وجود ویتامین c در این میوه ها،

و هذا خطأ شائع! لأن مادة الأسبرين تُتلف فيتامين c ... كما أن فيتامين c نفسه و این، اشتباهی رایج است! زیرا ماده ی آسپرین ویتامین c را از بین می برد ... همان طور که خود ویتامین c

يُبطّل تأثير البنسيلين، فتكون النتيجة هدر القيمة الغذائية لعصير الليمون و البرتقال تأثير پنی سیلین را از بین می برد، و نتیجه [ی آن] می شود هدر رفتن ارزش غذایی آب لیمو و [آب] پرتقال

و إبطال تأثير الدواء ... و از بین رفتن تأثیر دارو ...

- متأسفانه خوردن ویتامین c، در هنگام استفاده از آسپرین یا پنی سیلین، اعتقاد اشتباه بسیاری از مردم شده است.
- خوردن پرتقال و لیمو که دارای ویتامین c می باشند (همراه با آسپرین و پنی سیلین) اشتباهی رایج است.
- آسپرین و پنی سیلین، تأثیر ویتامین c را از بین می برند و برعکس.

دانشجوی های هتلن



ما هو الاعتقاد الخاطئ بين الناس؟  
اعتقاد اشتباه میان مردم چیست؟

۱ ۴

۱ المصابون بالزكام يحتاجون إلى فيتامين c.  
مبتلایان به سرماخوردگی به ویتامین C نیاز دارند.

۲ الأسبرين يُتلف آسپرین از بین می‌برد  
فيتامين c الموجود في الفواكه. ویتامین C موجود در میوه‌ها را.

۳ عند إصابة الأطفال بالزكام هنگام ابتلای کودکان به سرماخوردگی  
يُستعمل البنسيلين أحياناً. گاهی اوقات [از] پنی‌سیلین استفاده می‌شود.

۴ عند استعمال البنسيلين هنگام استفاده‌ی پنی‌سیلین  
علينا بتناول البرتقال و الليمون. باید پرتقال و لیمو بخوریم.

در ابتدای متن گفته است «بین مردم شایع شده است که کودکان مبتلا به آنفلوانزا یا سرماخوردگی هنگام خوردن آسپرین یا استفاده از پنی‌سیلین به مقداری ویتامین C نیاز دارند.» و در ادامه‌ی آن نیز گفته است «[این طرز تفکر] اشتباهی رایج است.» پس طبق متن، طرز تفکر مردم اشتباه است و نباید هنگام استفاده از پنی‌سیلین، پرتقال و لیمو بخوریم و این اعتقاد اشتباه در میان مردم در گزینه‌ی (۴) آمده است.



متی می‌بطل تأثیر آسپرین؟  
چه‌زمانی از بین می‌رود تأثیر آسپرین؟

۱ ۲

۱ إذا استعملناه هنگامی که استفاده کنیم آن را  
مع البرتقال. با پرتقال.

۲ عند استعماله هنگام استفاده‌ی آن  
مع البنسيلين. با پنی‌سیلین.

۳ إن لم نتناوله مع الليمون.  
اگر نخوریم آن را با لیمو.

۴ حين عدم تناول فيتامين c.  
هنگام نخوردن ویتامین C.

در متن گفته شده است که «آسپرین، ویتامین C را از بین می‌برد و خود ویتامین C تأثیر پنی‌سیلین را.» و نیز در متن گفته شده است که «پرتقال و لیمو حاوی ویتامین C هستند.» پس هنگامی که آسپرین را با پرتقال بخوریم تأثیرش از بین می‌رود. پس گزینه‌ی (۱) صحیح است.



لماذا استعمال فيتامين C  
چرا استفاده از ویتامین C  
مع البنسيلين خطأ؟  
با پنی سیلین اشتباه است؟  
لأن ...  
زیرا ...

۱ ۳

تأثير فيتامين C يزول!  
تأثير ویتامین C از بین می‌رود!

۱

المريض يمكن أن يموت!  
مریض ممکن است بمیرد!

۲

الطفل لا يحب استعمال البنسيلين!  
کودک استفاده از پنی سیلین را دوست ندارد!

۳

هذا إسراف، و الله لا يحب المُسرفين!  
این اسراف است، و خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد!

۴

در متن گفته شده است که «ویتامین C تأثیر پنی سیلین را از بین می‌برد.» و اگر این قضیه را به صورت حالت متقابل در نظر بگیریم، یعنی «ویتامین C تأثیر پنی سیلین را از بین می‌برد و پنی سیلین نیز تأثیر ویتامین C را.» گزینه‌ی (۱) صحیح است. ضمن این‌که با توجه به متن، گزینه‌های دیگر اصلاً نمی‌توانند صحیح باشند.



عین الصحيح:  
[گزینه‌ی] صحیح را مشخص کن:

۴ ۴

الأسبرين يهدر القيمة الغذائية للأطعمة!  
آسپرین ارزش غذایی غذاها را هدر می‌دهد!

۱

لا يفيد البنسيلين للشفاء من مرض الأنفلونزا!  
پنی سیلین مفید نیست برای شفا [یافتن] از بیماری آنفلوآنزا!

۲

في مرض الزكام لا تتناولوا البرتقال و الليمون معاً  
در بیماری سرماخوردگی پرتقال و لیمو را با هم نخورید!

۳

علينا بالاجتناب من تناول فيتامين C مع بعض الأدوية!  
ما باید اجتناب ورزیم از خوردن ویتامین C با برخی داروها!

۴

با توجه به این‌که در متن گفته شده است «آسپرین، ویتامین C را از بین می‌برد و ویتامین C نیز تأثیر پنی سیلین را.» به این نتیجه می‌رسیم که «نباید ویتامین C را با برخی داروها بخوریم.» پس گزینه‌ی (۴) صحیح است.

